

حق عبادت و حقیقت عبودیت

هر انسانی در زندگی به دنبال بهترین بودن و اصلاح زندگی خود و در یک کلام هدایت است. اما هر فردی این هدایت را در چیزی می‌بیند و به‌گونه‌ای به آن نظر می‌کند.

انسان در زندگی نباید امید و تکیه‌گاهی غیر از خداوند برای خود در نظر بگیرد و لازم است همه خواسته‌های خویش را از درگاه خداوند متعال درخواست کند. اگر انسان به این مقام رسید، عبادت او پذیرفته می‌شود.

مادر سوره مبارک حمد به درگاه خداوند اقرار می‌کنیم که خدایا! عبادت من مخصوص توست و من منحصرًا تو را عبادت می‌کنم و غیر از تو را عبادت نمی‌کنم.

اما در ادامه این سوره، هدایت به صراط مستقیم را از خداوند بزرگ طلب می‌کنیم. در سوره مبارک یس نیز خداوند می‌فرماید: «الَّذِ اعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَقْبَلُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ»، «وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»؛ ای فرزندان آدم! مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را مپرسیتید، زیرا وی دشمن آشکار شماست و اینکه مرا بپرسیتید که این صراط مستقیم است؟».

اگر مادر سوره حمد به درگاه خداوند اقرار می‌کنیم که تنها خداوند را عبادت می‌کنیم، پس صراط مستقیم حاصل شده است. پس چرا دوباره از خداوند می‌خواهیم که ما را در صراط مستقیم قرار دهد؟

پاسخ این است که عبادت دارای دو مرحله است که شامل باور داشتن و عمل کردن به آن می‌شود. مرحله نخست عبادت، باور کردن خداوند است و اعتقاد به اینکه من تنها خدا را عبادت می‌کنم و باور دارم که خداوند، مالک همه وجوه من است و تمام داشتنی‌های من، مملوک ذات مقدس پروردگار است.

اما مرحله نهایی، عمل کردن به باورهاست. بنابراین من و آنچه دارم، باید در خط عبودیت و بندگی خدا قرار بگیرد. با این باور، اراده و تصمیم باید این باشد که من در عرصه زندگی، همه داشته‌های خود را در مسیر بندگی خداوند متعال استفاده کنم. در مرحله دوم، انسان به این باور مندی می‌رسد که خداوند متعال مالک همه داشته‌های اوست و او تصمیم می‌گیرد که هرچه را دارد، در مسیر بندگی و عبودیت خداوند صرف کند. لذا به درگاه حق عرض می‌کند که خدایا! در جریان زندگی و عمر، ما را هدایت کن که بتوانیم برنامه زندگی خود را بر اساس بندگی تو تنظیم کنیم و تنها به تو وابسته باشیم.

تحقق وابستگی به خداوند، معنای اصیل «إِثَّاكَ تَعَبُّدٌ...» است. اگر در عرصه زندگی، وابستگی انسان منحصر به خداوند متعال نشد و او به امور دیگر مانند پول، قدرت، مقام، موقعیت‌های اجتماعی و... وابسته شد، مشخص است که دیگر به صراط مستقیم هدایت نشده است؛ زیرا وقتی می‌گوییم «هَذَا الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ»، یعنی خدایا! مرا به آن عبودیت انحصاری که به تو اظاهر کردم، هدایت کن و برنامه ریزی زندگانی من را بر این اساس قرار بده که تنها به تو وابسته باشم.

البته واضح است که این هدایت به صراط مستقیم، مراتبی دارد که هر فردی در نماز، مراتب بالاتر را از خداوند طلب می‌کند. امام باقر^(ع) می‌فرماید: «بنده، خدا را چنان‌که سزاوار است عبادت نکند، مگر آن‌گاه که از همه خلائق بپُرد و به او روی آورد. در این هنگام است که خداوند می‌فرماید، این بنده برای من خالص شده است. پس او را با کرم خود می‌پذیرد».

انقطاع از خلق به معنای دوست نداشتن پدر، مادر، فرزند و همسر نیست، بلکه انقطاع به این معناست که در زندگی امید و تکیه‌گاه انسان هیچ‌کسی غیر از خداوند نباشد و او همه خواسته‌های خود را از درگاه خداوند متعال درخواست کند. اگر انسان به این مقام رسید، عبادت او پذیرفته می‌شود.

نکته مهم این است که در مسیر عبودیت خداوند، انسان نباید گرفتار غرور شود. در عرصه عمر و زندگی، ما باید خود را همیشه در برابر خداوند مقصر ببینیم و فکر نکنیم با انجام چند عمل خیر و خواندن چند رکعت نماز نافله، عبادتمان کامل شده است. حضرت کاظم^(ع) به فضل بن یونس فرمودند: «بسیار بگو خدایا! مرا از عاریه‌داران قرار مده و از حد تقصیر بیرون مبر». او به حضرت عرض کرد معنای عاریه‌داران را می‌دانم که شخصی، دین را به‌طور عاریه می‌گیرد و سپس از آن خارج می‌شود. اما معنای «مرا از حد تقصیر بیرون مبر» چیست؟

حضرت فرمودند: «هرکاری که برای خدا انجام می‌دهی، خود را در آن مقصر بدان؛ زیرا همه مردم در کارهایی که برای خدا می‌کنند، مقصر هستند، مگر فردی که خداوند عجز جل نgehش دارد».

در حدیث معروفی همین معنا وجود دارد که پیامبر خدا^(ص) می‌فرماید: «مَا عِبَدْنَاكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ وَ مَا عَزَمْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ»؛ یعنی خداوند! ما هیچ‌وقت حق بندگی تو را ادا نکردیم و هیچ‌وقت آن چنان که باید، تو را نشناختیم».

و این یعنی مسیر معرفت و عبودیت، بی‌پایان است. از خداوند بزرگ می‌خواهیم که ما را از سالکان و طی‌کنندگان این مسیر بی‌پایان قرار بدهد. ان شاء الله!..

بزرگفته از خطبه‌های نماز جمعه مشهد

تنظیم: حجت الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

بیرس و بدان

سؤالاتی درباره مسجد

در این ستون به پرسش‌های شما درباره حکم مسائل مختلف از نظر شرعی پاسخ خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی می‌توانید پرسش‌های خود را به شماره پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۸ با ما در میان بگذارید.

● **سؤال:** آیا جایز است قسمتی از مسجد را به وسیله پارتیشن جدا کرد و به کفشداری و دفتر مسجد اختصاص داد؟ باتوجه‌به اینکه جای دیگری برای این کار وجود ندارد.

● **پاسخ اجمالی:** تصرف در مکان وقفی نباید به‌گونه‌ای باشد که با جهت و هدف وقف، منافات داشته باشد. بنابراین جداکردن بخشی از فضای مسجد به منظور دفتر یا کفشداری، جایز نیست، مگر اینکه برای اقامه نماز به آن مکان نیازی نباشد و بتوان در صورت ازدحام جمعیت، آن بخش را برای اقامه نماز و عبادت به حال اول برگرداند یا آنکه وجود چنین قسمت‌هایی برای نمازگزاران، ضروری باشد و چاره دیگری نباشد که البته در هر صورت، رعایت احترام مسجد واجب است. این حکم در صورتی است (این کار در صورتی مشکل دارد) که کل زمین یا ساختمانی به‌عنوان مسجد وقف شده باشد، ولی اگر ابتدا مکانی را بسازند و در آن سازه، قسمت‌هایی به‌عنوان دفتر، کفشداری، سرویس بهداشتی و... در نظر گرفته شود و قسمتی هم به‌عنوان مسجد وقف شود، این کار اشکالی ندارد.

آیتا...العظمی سبستانی

خبر

آیتا...العظمی مکارم شیرازی

چنانچه ضرورت جدی داشته باشد، مانعی ندارد، ولی احکام مسجد رعایت شود.

آیتا...العظمی شبیری زنجانی

تا زمانی که برای اقامه نماز به آن احتیاج نباشد، استفاده از آن با اجازه متولی شرعی، در اموری که منافاتی با شأن مسجد ندارد، جایز است.

آیتا...العظمی صافی‌گلپایگانی

جایز نیست.

آیتا...العظمی نوری همدانی

تغییر در وقف، جایز نیست.

آیتا... هادوی‌تهرانی

جداکردن بخشی از فضای مسجد برای دفتر مسجد یا تعیین کفشداری در آن، اگر به‌گونه‌ای باشد که احترام مسجد حفظ شود و باعث اذیت نمازگزاران نشود و موجب نجس شدن مسجد نشود و بتوان در اوقات دیگر- در صورت نیاز- برای اقامه نماز و عبادت، آن بخش را به حال اول برگرداند، جایز است؛ البته در هر حال آن بخش از مسجد، همچنان احکام مسجد را دارد.



شهر
اخبار
۱۴۰۲
۷ خرداد
۱۳۹۳
شماره ۴۴۴۴

۱۴



شهر
اخبار
۱۴۰۲
۷ خرداد
۱۳۹۳
شماره ۴۴۴۴

وظیفه انسان در برابر ابتلا و امتحان الهی چیست؟

حکم خدا را امضا کنید

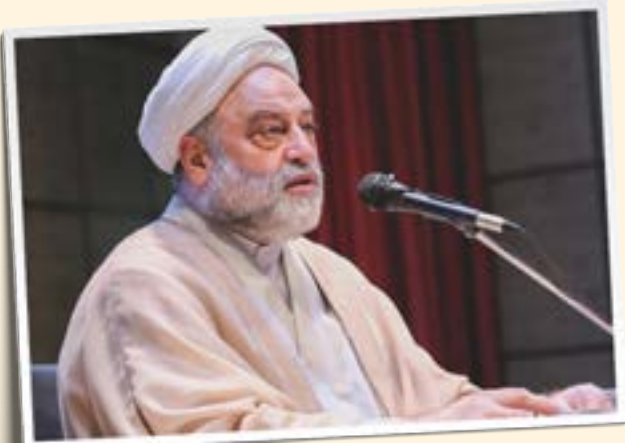
حمیده ذاکری! دنیای امروزی با همه پستی‌ها و بلندی‌ها دنیای تجربه و ابتلا و امتحان است، بلاها و آزمون‌هایی که به زندگی ما وارد می‌شوند تا سبب کشف گوهر و جویدی ما شوند و ما را آزموده کنند. شاید با خودمان فکر می‌کنیم که چرا این همه سختی باید به سمت من بیاید. اما یادمان نرود که برای ساختن الماس لازم است بیشترین و حرارت‌ها بر روی آن وارد شود تا الماس ساخته شود. اگر الماس هم می‌گفت طاقت این سختی‌ها را ندارم به این درجه از ارزشمندی نمی‌رسید بدون شک دستیابی به این مقام و پاداش، آسان نیست. در ادامه با رجوع به سخنان علما و وعاظ به چگونگی دستیابی به مقام صبر و رضا در وقت مصائب، اشاره خواهیم کرد.



مبتلا شدن به بلا، امتحانی برای رشد است

انسان در صورتی می‌تواند از امتحانات الهی پیروزمندانه بیرون بیاید که قلبش مملو از تقوای الهی باشد. خداوند انسان‌ها را امتحان می‌کند تا به ترقی و تعالی روحی برسند و رشد کنند. سختی، بلا، زیان و مشکلات در همه اقوام گذشته بوده است. اگر انسان به زندگی، نگاه مؤمنانه داشته باشد، آن‌وقت بلا، ابتلا و آزمایش‌های الهی نیز جزو تکوین نظام الهی خواهد بود. طبق آنچه در قرآن کریم آمده است، ترس و گرسنگی، ضرر مالی و جانی و آفات در تجارت و زراعت به نوعی از امتحانات الهی هستند. انسان باید در مواجهه با امتحان الهی، صبر پیشه و مقاومت کند. خداوند فرموده‌اند که انسان‌ها به خوبی‌ها و بدی‌ها و به اموال و اولاد، امتحان می‌شوند. آنچه در دل انسان است، به‌واسطه امتحان الهی باید آزموده شده، نفوس انسان‌ها نیز تصفیه شود. صحنه‌های امتحان الهی باعث می‌شود مجاهدان غیرمجاهدان شناخته شوند. خداوند مرگ و حیات را آفریده است تا انسان‌ها به بهترین عمل آزمایش کنند. در روایات آمده است که مؤمنان برای تقویت ایمانشان، مشمول محک و آزمایش الهی قرار می‌گیرند. مؤمنان برای رسیدن به زندگی مؤمنانه، مبتلا به بلا می‌شوند. آن‌ها در مواجهه با این بلاها وظایفی دارند که شامل صبر، توجه به خواست الهی، نعمت دانستن بلا و ذکر و یاد خداست. مبتلا شدن مؤمنان به بلا، امتحانی برای رشد، ترقی و تعالی آن‌هاست. امتحان برای انبیای الهی، درجه است و برای اولیای الهی نیز، کرامت محسوب می‌شود. انبیای الهی از همه بیشتر مبتلا به بلا و رنج شده‌اند.

آیتا... رضانی



اصلا خبر تو همین هست که خدا بریده است

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید حتما شما را آزمایش می‌کنیم. این ناامنی‌ها، خوف‌ها، خطر‌ها و ناراحتی‌ها باعث آموزش گناهان می‌شود. حدیث داریم مؤمن گاهی خواب پریشان می‌بیند، از خواب که می‌پرد، خدا گناهانش را می‌آمرزد. این یعنی خدا دنبال بهانه می‌گردد و به دلیل وحشت‌هایی که برای مؤمن پیش می‌آید، گناهان او را می‌آمرزد. گاه ممکن است تلفات مالی برای انسان پیش بیاید. حدیث داریم خداوند رزق مؤمن را از جاهایی که خودش گمان ندارد، می‌رساند؛ چون گاهی تکیه به اسباب می‌کنیم. این صحیح نیست که آدم تکیه به اسباب بدهد. خدا رزق می‌دهد، خداوند می‌فرماید: «این آزمایش‌ها حتمی است. در برابرش بشارت بده آن‌هایی که در برابر آزمایش‌ها صبر می‌کنند». در یک حدیث خیلی قشنگ، آقا امیرالمؤمنین^(ع) می‌فرمایند: «بلا موحی است که باید صبر کنیم تا رد بشود. غیر صبر و تحمل، هیچ راه دیگری ندارد». (مسند ذرک الوسائل/ باب استجاب الصبر فی جمیع الامور ص ۲۸۲) گاه مشکلاتی داریم که حل‌شدنی هستند، گاه نیز مشکلاتی داریم که حل‌نشده‌اند. مشکلاتی که حل‌شدنی هستند، ما حلش می‌کنیم. اما کسی‌را که مرده باشد، نمی‌شود زنده‌اش کرد. حضرت راه حل نشان می‌دهند و می‌فرمایند: «وقتی بلا و امواج نکبت آمد، شما سرتان را پایین بیاورید و تسلیم شوید؛ چون غیر این راهی نداریم». انس بن مالک می‌گوید: «من یازده سال خدمت پیامبر^(ص) بودم. یکی از خصوصیات پیامبر^(ص) این بود که هیچ‌وقت برای کاری که انجام نشده بود، نمی‌فرمودند ای کاش انجام می‌شد و هیچ‌وقت برای کاری که انجام شده بود، نمی‌فرمودند ای کاش انجام نمی‌شد». یعنی تقدیر خدا را همیشه امضا می‌کردند. الخیر فی مواقع. اصلا خبر تو همین است که خدا بریده است.

حجت‌الاسلام والمسلمین فرحزاد



برترین بنده، فردی است که به مقام رضا برسد

بعضی بنده‌ها این‌طور هستند که به رضای خدا راضی‌اند. تلاش و کوشش می‌کنند و هم مرد دنیا هستند و هم مرد آخرت و به مقدرات راضی هستند و به قضا و قدر الهی هم راضی هستند. قرآن می‌فرماید: «برترین بنده آن بنده است که برسد به آنجا که مقام رضا و تسلیم در او پیدا شود»؛ البته مشکل است و ریاضت و عبادت می‌خواهد و باید از خدا بخواهد. خیال هم نکنید که نمی‌شود، بلکه من خیلی‌ها را سراغ دارم که به مقام تسلیم و رضا رسیدند. آنجا که مثلا به حضرت ابراهیم^(ع) می‌گویند: آقای ابراهیم! بچه‌ات را در بیابان بگذار و برو. معمولا مردم می‌پرسند چرا حضرت ابراهیم^(ع) بچه را در بیابان گذاشت؟ هاجر به حضرت ابراهیم^(ع) می‌گوید: ما در این بیابان بی‌آب و علف چه کنیم؟ حضرت ابراهیم می‌فرماید: شما را به خدا می‌سپارم. بالاخره خدا او را رئیس قوم می‌کند و بعد از بیست سال حضرت ابراهیم می‌آید و به او خطاب می‌شود که خانه خدا را خراب کند و دوباره بسازد. بَنا. حضرت ابراهیم^(ع) است و دستپارش، حضرت اسماعیل^(ع) و با هم خانه را می‌سازند. وقتی خانه ساخته شد، خطاب می‌شود باید حج به جا بیاورید. حج را به جا می‌آورند. خطاب می‌شود باید قربانی کنی و قربانی تو اسماعیل باشد. با کمال شهامت، حاضر می‌شود، به حضرت اسماعیل می‌گوید و حضرت اسماعیل جواب ابراهیم را می‌دهد و می‌فرماید: «ای پدر! هرچه مأموری، انجام ده که ان شاء الله... مرا از بندگان با صبر و شکیبا خواهی یافت». (سوره صافات، آیه ۱۰۲). آن‌گاه صد درصد از امتحان سربلند بیرون می‌آید. هاجر رفوزه نمی‌شود و نمره ۲۰ می‌آورد و حضرت ابراهیم و اسماعیل هم نمره ۲۰ می‌آورند. قرآن می‌فرماید: «در آن هنگام که پروردگارش به او گفت: اسلام بیاور (و در برابر حق، تسلیم باش. او فرمان پروردگار را، از جان و دل پذیرفت و) گفت، «در برابر پروردگار جهانیان، تسلیم شدم» (سوره بقره، آیه ۱۳۱).

آیتا... مظاهری



استقامت، کلید موفقیت در آزمون الهی است

یکی دیگر از ابزارهای آزمون و ابتلا، صحنه هستی است. خود هستی، عرصه آزمون است. پروردگار در سوره بقره، آیه ۱۵۵ می‌فرماید: «بی‌تردید شما را به چیزی اندک از ترس و گرسنگی و کاهش بخشی از اموال و نزدیکان و محصولات [نباتی یا ثمرات باغ زندگی از زن و فرزند] آزمایش می‌کنیم و به افرادی که صبر و استقامت می‌کنند، بشارت بده!». اگر کسی بخواهد از این آزمون سربلند بیرون بیاید، راهش استقامت است. ابزار دیگر آزمون، آزار دیدن در راه دین‌داری است. خداوند در سوره آل عمران، آیه ۱۸۶ می‌فرماید: «بی‌تردید در اموال و جان‌هایتان، امتحان خواهید شد و مسلما از کسانی که پیش از شما کتاب آسمانی به آنان داده شده است و [نیز] از کسانی که شرک آوردند، سخنان رنج‌آور بسیاری خواهید شنید و اگر [در برابر آزار اینان] شکیبایی ورزید و [از تجاوز از حدود الهی] بپرهیزید، [سزاوارتر است]. این اموری است که ملازمت بر آن درست است». استقامت یعنی صبوری و خوف پیشگی.

حجت‌الاسلام والمسلمین علوی‌تهرانی